

مقاله پژوهشی

مراکز محله؛ ظاهری مشابه برای گردشگران، شخصیت‌های گوناگون در ادراک شهروندان

(نمونه مطالعاتی: میدان وقت و ساعت یزد و میدان جلفای اصفهان)*

محمد رضا سرتیپی اصفهانی^{۱*}، زهرا یوسفی مقدم^۱، مائده قصبه^۱، حمیدرضا باقری^۲

۱. گروه معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

۲. گروه معماری، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۱ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

چکیده محله یکی از کوچک‌ترین واحدهای سیستم شهر، و قلب تپنده آن، «مرکز محله» است. مرکز محله، هسته ایجادکننده حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی محله است و تا زمانی که زنده باشد، محله نیز زنده خواهد ماند. هستی محله به مرکز آن وابسته است و هستی مرکز نیز به زیست ساکنانی که در آن حضور دارند. انسان در مواجهه با پدیده‌های ابتدا هستی آن را در قالب یک حقیقت واحد به شکل یک حس کلی درک می‌کند و سپس به ادراک اجزاء آن می‌پردازد. این ادراک کل‌نگر حاصل اجزاء و ارتباط میان اجزاء تشکیل دهنده آن رخ می‌دهد. در سفر پژوهشی «خوانش هستی‌شناسی منظر شهری یزد» ضمن بازدید برخی از مراکز محله یزد، به دنبال حس کلی ناشی از تجربه فضا، به مقایسه چهار مرکز محله با یکدیگر پرداخته شد. در این مقایسه مراکز محله را به مثابه یک کل دانسته لذا به بررسی اجزاء و ارتباط میان اجزاء پرداخته شد. مرکز محله با توجه به عرصه فضای میانی خود، جداره‌ها و کاربری‌های بلافصل آن، کاربری‌های مجاور مرکز محله که هر چند جداره آن را نمی‌سازند اما بر آن تأثیر می‌گذارند، معاری که به آن ختم می‌شوند یا از آن منشعب می‌شوند و رویدادهایی که در آن رخ می‌دهد، کاراکترهای منحصر به فردی دارند. این کاراکتر، شخصیت و هویت آن مرکز را می‌سازد که در حقیقت همان حس کلی هستی آن است. بنابراین یافته پژوهش، دریافتن همین شخصیت‌های گوناگون مراکز محله با ظاهری مشابه بود. روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش بر بازدید میدانی و رویکرد هستی‌شناسانه با دیدی کل‌نگر از دید تجربه‌کننده فضا استوار است که با اطلاعات کتابخانه‌ای تکمیل و تحلیل شد.

واژگان کلیدی مرکز محله، یزد، میدان وقت و ساعت یزد، میدان جلفا اصفهان، هستی، هستی‌شناسی.

مقدمه محله یک زیرسیستم و واحد کوچکی در دل سیستم شهر است. واحدی نیمه مستقل که در مقابل رفع نیازهای اهالی خود تا حدی خودکفا، اما در مقیاس کلان‌تر، وابسته به دیگر محلات، ارسن‌های شهری و در نهایت کل سیستم شهر است. سازمان فضایی و اجزاء محلات (اگر با اغماض نگوییم در کل ایران، حداقل در یک شهر واحد) اغلب مشابه یکدیگر هستند. اما چنانچه با دقت بیشتری به مطالعه محلات بپردازیم، خواهیم دید محلات متناسب با عوامل مختلف، در کنار تمام مشابهت‌هایی که دارند، عکس‌العمل‌های متفاوتی

نسبت به زیست جاری در خود بروز می‌دهند. مرکز محله به‌عنوان هسته به وجود آورنده محله، یک باشگاه و قرارگاه اجتماعی-اقتصادی است. مرکز محله محل قرار افراد محله برای دریافت آخرین اخبار، تهیه مایحتاج روزمره (خرید از نانوایی، بقالی، میوه و سبزی فروشی و...)، استحمام، ادای فرایض دینی و در برخی شهرها متناسب با اقلیم و شرایط زیست، کاربری‌های گوناگون که در مرکز محله جانمایی می‌شدند (مثلاً آب انبار، یخچال، قنات و...) بوده است. بنابراین مراکز محله دارای ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی-آیینی، سیاسی، حقوقی است که هویت مشترک اهالی محله به نسبت با آن معنا دار می‌شود. تعدد لایه‌های ارزش‌زا مرکز محله باعث شده زندگی افراد محله در لایه‌های گوناگون و عمق بیشتر با مرکز محله و اجزایش

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «خوانش هستی‌شناسانه منظر یزد» است که به سرپرستی دکتر «سید امیر منصوری» در سال ۱۴۰۳ در پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر به انجام رسیده است.

*نویسنده مسئول: ۰۹۳۹۲۲۵۸۱۴۵ Mohammad.sartipi@ut.ac.ir

مورد بازدید در قالب بیان یافته‌ها در پژوهش است بنابراین تمرکز بیشتر بر مشاهدات میدانی و حس دریافتی و تجربه شده در آنها خواهد بود.

فرضیه پژوهش

مرکز محله در سازمان فضایی شهرهای ایران (به‌ویژه در اقلیم‌های مشابه) دارای نظام کالبدی-فضایی نسبتاً واحدی هستند که باعث شده ظاهرشان (از فرم، ساختار و مصالح گرفته تا فضا و جانمایی کاربری‌ها) در کلیت مشابه یکدیگر باشد اما در واقع شخصیت (تم) متفاوتی دارند که هر یک را از دیگران متمایز می‌کند. این تم معادل همان حس کلی است که از اتمسفر غالب ناشی از کاربری‌ها، کالبد و رویدادهای آن مرکز محله به‌عنوان صفتی از هستی آن در اذهان ادراک می‌شود.

پیشینه پژوهش

در بخش پیشینه پژوهش به دو دسته پژوهش‌های پیشین که توسط افراد دیگر صورت گرفته است، پرداخته شده است: دسته اول پژوهش‌هایی که به مرکز محله توجه داشته اند و دسته دوم پژوهش‌هایی را شامل می‌شود که اشاراتی به نمونه‌های مطالعاتی پژوهش حاضر دارد. هر چند که بخشی از مطالعات صورت گرفته درباره نمونه‌های مطالعاتی، در بدنه پژوهش و به‌خصوص بخش مطالعات موضوعی (بررسی نمونه‌های مطالعاتی) به تفصیل بیان شده است.

در پژوهشی که ضرابیان و منعم (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی میزان و عوامل تأثیرگذار بر حس مکان» انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که حس مکان برآوردی از ارتباط درونی، تصورات ذهنی و ویژگی‌های محیط است. مراکز محله موفق مراکزی هستند که این سه را باهم دارا باشند. برای مثال علاوه بر تجربه‌های ذهنی و حفظ نمادهای خاطره‌انگیز نیازمند به منظر، صدا و حتی بوی مطلوب هستند تا از طرف مردم به‌عنوان مرکز محله پذیرفته شوند. عواملی مثل ارتباط با زمان گذشته در عین در نظر گرفتن الزامات زمان حال، دارا بودن زمینه تعامل مردمان با خود، علم به فعالیت‌های پیشین و تصاویر ذهنی ثبت شده در اذهان در پیشینه ذهنی خود و تناسب معماری و شهرسازی می‌توانند در تداوم یافتن این مراکز مؤثر باشند. در پژوهش دیگر حبیب (۱۳۸۰) مراکز محلات را، نقاط کانونی اجتماعی و عمومی‌ترین عرصه محلی و محل برخورد و تجمع هم‌محله‌ای‌ها می‌داند. همچنین توسلی (۱۳۹۱) مراکز محلات را پاتوق‌هایی نیز می‌داند که ضمن اینکه محلی برای فعالیت‌های گوناگون اقشار مختلف مردم بوده، محلی برای اجتماع لوطی‌های محله نیز محسوب می‌شده است. توغ (یا توق) علم بزرگ عزاداری عاشورا بوده است که در برخی محلات حضور داشته و اصطلاحاً به‌واسطه

عجین شود. از طرف دیگر مخاطبین مرکز محله نیز به دلیل تمرکز کاربری‌های متنوع طیف زیادی را شامل می‌شود که همین امر باعث شده عمومیت مرکز محله تقویت شود.

هر فضای شهری برای برآورده کردن طیف زیادی از نیازهای ساکنان، کاربری‌های مختلف در خود جانمایی می‌کند که این حاصل خواست مردم آن محله بوده است. وزن‌دهی به لایه‌های گوناگون در مراکز محلات متناسب با عوامل مختلف، بسته به آن که ساکنین محله به چه میزان نیازمند کاربری‌های متفاوت بوده‌اند، صورت می‌گیرد به نحوی که برخی از لایه‌ها بیش از دیگر لایه‌ها رشد کرده و فضا اشغال می‌کنند. همین عامل در کنار عوامل محیطی دیگر، از مهم‌ترین دلایل تمایز میان مراکز محله هستند. بنابراین می‌توان شاهد مراکز محله با ویژگی‌های منحصر به فرد بود. در این پژوهش به بررسی این تمایز میان مراکز محله خواهیم پرداخت و خواهیم دید با دیدگاه کل‌نگر هستی‌شناسانه، اصل وجودی یک مرکز محله، آن حس کلی است که از مکان در ذهن مخاطب شکل گرفته و پایه ادراک و قضاوت شخص درباره کیفیت مرکز محله می‌شود. آن حس کلی، در حقیقت ادراک همان شخصیت منحصر به فرد محله است. شایان ذکر است که این پژوهش برپایه احساس کلی گردشگران طبق بازدید میدانی تنظیم شده است. پژوهش پیش‌رو برآمده از طرح پژوهشی «خوانش هستی‌شناسی منظر شهری یزد» است که در سال ۱۴۰۳ در پژوهشکده نظر انجام شد. بنابراین پیش از شروع بحث درباره موضع پژوهش (یزد)، باید موضوع آن تدقیق شود پس ابتدا به رویکرد طرح پژوهشی خواهیم پرداخت. در ادامه پس از بررسی موضوعی (مبانی نظری) به این سوال خواهیم پرداخت که چه عنصری باعث حیات مرکز محله‌ها می‌شود؟ آیا زبان طراحی، مواد و مصالح، جزئیات اجرایی، تخصیص بودجه، عزم مدیریتی یا اقداماتی از این جنس باعث رونق و یا رکود مرکز محله‌ها شده است؟ با تطبیق دو مرکز محله در دو شهر مختلف، به بررسی این نکات می‌پردازیم. پژوهش پیش‌رو به دلیل ماهیت آن، مبتنی بر تجربه زیسته و بازدید میدانی و حس کلی دریافت شده از آن با رویکردی هستی‌شناسانه است بنابراین متن با بیان تجارب حاصل شده به دنبال بیان فرضیه (فرضیه: خصلت «تمایز بودن شخصیت مراکز محله در عین شباهت کالبدی-فضایی آنها») در قالب بیان حس کلی است نه صرفاً استدلال منطقی و غیرمیدانی و کتابخانه‌ای از آن. از حیث در دسترس بودن منابعی که به‌صورت علمی و نه تئوری و فلسفی در حوزه تأثیرات هستی‌شناسانه فضا پرداخته باشند، محدودیت پژوهش وجود دارد و اساس پژوهش برپایه مشاهدات بوده است و از طرف دیگر هدف تعریف شده برای پژوهش سفر پژوهشی مذکور نیز بیان حس کلی مشاهده‌کنندگان در دریافت هستی‌شناسانه از مکان‌های

(Sartipi Isfahani, ۲۰۲۳). افراد زیادی معتقدند به واسطه غنای مراکز محله یزد و همچنین حفظ آنها تا به امروز، این مراکز محله هم‌اکنون از فضاهای باکیفیت شهری لحاظ می‌شوند (Noghsan Mohammadi & Beyzaie, ۲۰۲۳; Mojedzadeh et al., ۲۰۲۴; توسلی، ۱۳۹۱) اما آن چه مغفول مانده است این است که هر چند مرمت کالبدی و بازسازی بافت با تزریق عملکرد به آن یک اقدام مثبت است اما برای احیا و زنده شدن حقیقی بافت نیاز است حیات اجتماعی ساکنین و شهروندان یزد نیز احیا و حفظ شود نه تنها با مرمت کالبدی صرف و تبدیل کاربری‌ها به اقامتگاه، رستوران و کافی‌شاپ یا سوغاتی‌فروشی بافت را به موزه‌ای در خدمت گردشگر در بیارویم بلکه باید میان حیات شهروندان و گردشگران در آن تعادلی رقم بخورد.

مبانی نظری

• هستی و رویکرد هستی‌شناسی

سؤال دربارهٔ هستی یکی از اساسی‌ترین سؤالات فلسفی بشر از ابتدا بوده است بنابراین بحث دربارهٔ آن در حدود این مقاله نمی‌گنجد و تنها به تعریفی در این باره اکتفا شده است. هستی و وجود به موجود بودن پدیده‌ها و به «مجموعهٔ تمامی چیزهای موجود» اشاره دارد (Merriam-Webster, n.d.). در واقع هستی‌شناسی را بررسی فیلسوفانهٔ حقیقت «بودن»، «هستی» و «وجود» تعریف می‌کنند. برانکو میتروویچ معتقد است افلاطون برای استنباط دستگاه فکری خود، باعث پایه‌گذاری یک نظام فلسفی جدید شد که آن را هستی‌شناسی می‌نامیم (Mitrovic, ۲۰۲۰).

هستی‌شناس (Ontology)، مطالعهٔ فلسفی «بودن به‌طور کلی» است. در اندیشهٔ متافیزیک ارسطو به‌عنوان «فلسفهٔ اول» نامیده شد اما واژهٔ انتولوژی که از اصطلاح لاتین Ontologia به معنای «علم بودن» مشتق شده است، نخستین بار توسط فیلسوف آلمانی، یاکوب لورهاد در سال ۱۶۰۶ بیان شد. بنابراین قدمت پرداختن به هستی و ماهیت آن، قدمتی چندین هزار ساله دارد و همچنان ابعاد بسیاری از آن برای بشر همچنان ناشناخته باقی مانده است (Merriam-Webster, n.d.). همهٔ پدیده‌هایی که در دایرهٔ ادراکی انسان جای می‌گیرند، چه در دنیای عینیات در خارج از ذهن انسان واقع شوند (پدیده‌های «واقعی») و چه آنهایی که ساخته ذهن انسان‌اند و وی به آن می‌اندیشد (حتی اگر در دنیای بیرون ما به ازایی نداشته باشد)، همگی در حیطهٔ «هستی» جای می‌گیرند. بنابراین هر آنچه بشر بتواند به آن بیندیشد، هستی دارد. صحبت دربارهٔ هر چه به نیستی یا ماهیت آن می‌پردازد، آن را به دایرهٔ هستی می‌کشاند. بنابراین هر چه به آن می‌اندیشیم و یا از آن صحبت می‌کنیم، در «هستی و بودن» مشترک‌اند. سؤالی که می‌توان در این

حضور آن به محل آن یعنی مرکز محله که فضای اجتماع مردم محله نیز بوده است، پاتوغ (پاتوق) نیز گفته می‌شود و به نوعی این محل یک «باشگاه» یعنی محلی برای باشیدن و بودن به‌مثابهٔ یک مکان معنادار در اذهان بوده است. پاکزاد (Pakzad, ۲۰۰۷) معتقد است از دو مولفه‌ای که در محله نقش اصلی را ایفا می‌کنند، یعنی محدودهٔ کالبدی و تعلق اجتماعی، آنچه تعلق اجتماعی را پررنگ‌تر می‌کند، مرکز محله است. در مقالهٔ «ادراک متفاوت گروه‌های سنی از نشانه‌های معنایی و بصری مؤثر بر هویت محیطی» نوشتهٔ مجدزاده و همکاران (Mojedzadeh et al., ۲۰۲۳) ایشان با تمرکز بر محلهٔ فهادان یزد به دنبال بررسی عوامل بصری تأثیرگذار بر هویت‌مندی محله بوده‌اند و به نکات و عواملی در این باره اشاره کرده‌اند. اما آنچه مغفول مانده است این است که در بررسی‌های به عمل آمده دربارهٔ سابقهٔ حضور بازدیدکنندگان مطلبی ذکر نشده چرا که این ویژگی‌های بصری به چشم بینندگان از شهرها و فرهنگ‌های گوناگون جلوهٔ متفاوتی از خود برجای می‌گذارند ضمن اینکه تمرکز بر موارد بصری باعث کم‌رنگ شدن نقش حس فضا و تأثیر آن بر ادراک از مراکز محله می‌شود.

در بررسی که نقصان محمدی و همکاران (Noghsan Mo-hammad & Beyzaie, ۲۰۲۴) انجام داده‌اند، نگارندگان سعی کردند تا الگوهای موفق مراکز محله مطلوب را به‌صورت تطبیقی با الگوهای موجود در مراکز محلهٔ یزد مورد تطبیق و بررسی قرار دهند. طبق یافته‌ها در بسیاری از موارد این مراکز باهم تطبیق دارند و دارای تشابهات بسیاری هستند. از این حیث پژوهش مذکور با نوشتهٔ پیش‌رو بیشترین هم‌پوشانی با ایدهٔ کلی حاکم بر موضوع را دارد اما آنچه پژوهش پیش‌رو را متمایز می‌کند، یافته‌های آن و همچنین فراتر رفتن مقایسهٔ نمونهٔ مطالعاتی از شهر یزد با شهر دیگری با اقلیم مشابه است. پژوهشی که نقصان محمدی و همکاران انجام داده‌اند، ضمن اشاره به ویژگی‌های مراکز محله، به نقل از سلطان‌زاده (Soltanzadeh & Rohbakhshan, ۲۰۰۶) مراکز محله را به دو نوع تقسیم‌بندی کرده‌اند که یکی مراکز محله به شکل یک میدانگاه است و دیگری مرکز محله به‌صورت یک راسته یا گذر کمی عریض‌تر از دیگر معابر که محل استقرار فضاهای تجاری و اجتماعی است. باید توجه داشت که هر چند مراکز محله محل استقرار کاربری‌های متنوع شهری مثل حمام، مسجد (یا دیگر عناصر مذهبی-آیینی)، آب انبار، یخچال، دکان‌های تجاری خرد، کاروانسرا و ... و همچنین محل تمرکز معابر محله و اتصال‌دهندهٔ مرکز محله به دیگر نقاط شهر است (Noghsan Mohammadi & Beyzaie, ۲۰۲۴)، اما لزوماً این صفات آن را به مرکز محله بدل نکرده است

محیطی با هر آن چیزی است که پیش از این تجربه کرده و هندسه شناختی ذهن ما (به‌مثابه فیلتر تفسیرگر ذهن) را می‌سازد. این فیلتر نه تنها داده‌های جدید را تفسیر و قضاوت می‌کند (بار معنایی به آن می‌افزاید) بلکه از آن داده‌ها نیز تأثیر می‌پذیرد. روند تفسیر عقلانی ذهن ما از پدیده جدید نیازمند کسب داده بیشتر و عمق مواجهه ما با آن پدیده است اما پیش از آن که این مرحله در ذهن فعال شود، بنابر تأثیر و تفسیر هندسه معرفتی، انسان از آن پدیده یک «حس کلی» دریافت می‌کند و آن را ارزش‌گذاری می‌کند که آن پدیده خوب است یا بد. بنابراین آنچه به‌دنبال آن هستیم، حس کلی است که از مواجهه با مکان (مرکز محله در این پژوهش) حاصل می‌شود. حال که دانستیم ادراک کل‌نگرانه منجر به شناخت هستی‌شناسانه شده و مخاطب را به شناخت اجزاء و ارتباط میان آنها سوق می‌دهد، شایان ذکر است که ادراک محله و مرکز آن به‌مثابه یکی از نمودهای هستی در قالب فضای شهری، منجر به شناخت تمایز میان مراتب این هستی می‌شود. در حقیقت درست است مراکز محله همگی در هستی واحداند و در وهله اول یکسان به نظر می‌رسند اما در واقعیت هر مرکز محله دارای شخصیت و تم (Theme) منحصر به فردی است. بنابراین، در مراتب هستی این فضاهای شهری با هم متفاوت‌اند. بنابراین چنان چه تنها به ماهیت و چیستی عناصر مراکز محله بیندیشیم، همه آن مراکز محله را یکسان می‌بایم چرا که در اجزاء اغلب یکسان‌اند. اما چنان‌چه به «حس کلی» (یا همان چیزی که با عنوان روح مکان (Genius Loci) و یا حس و حال (Vibe) که از محیط دریافت می‌شود از آن یاد می‌شود) حاصل از رویکردی هستی‌شنایانه بپردازیم، خواهیم دید که حس کلی دریافتی از محیط کاملاً متفاوت و منحصر به فرد خواهد بود.

آنچه کیفیت یک فضا و به تبع آن احساس کلی که از تجربه آن فضا حاصل می‌شود، اجزاء و ارتباط میان اجزاء آن فضا است. بنابراین در ادامه به بررسی اجزاء و ارتباط و تأثیر آنها خواهیم پرداخت. آنچه باعث شده مراکز محله رونق داشته باشد، طرح، کاربری، بودجه صرف شده، به روز بودن آن و مصالح آن است؟ پس از بیان برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت حس مکان یک مرکز محله، دو نمونه از مراکز محله در دو شهر مختلف با اقلیم‌های مشابه و سیستم شهری نزدیک به هم مقایسه شدند. باید توجه داشت که منظور از منظر شهری، ادراک شهروندان از آن شهر است (Mansouri, ۲۰۱۰, ۳۲). از طرف دیگر این پژوهش مبتنی بر بازدید میدانی سفر پژوهشی است که نگاه گردشگری به شهر را در پی خواهد داشت. بنابراین باید به این نکته اشاره کرد که یافته‌ها حاصل نگاه گردشگری است که در وهله اول مرکز محله‌هایی شبیه به تمام مراکز محله در اقلیم گرم و

بخش مطرح کرد این است که در پدیده‌هایی که در هستی مشترک‌اند، چه اجزائی قرار دارد و ارتباط میان این اجزاء چگونه است؟ میان کل و هستی چه نسبتی برقرار است؟

• دیدگاه کل‌نگر و هستی‌شناسی

یکی از جهان‌بینی‌های اصلی بشر از ابتدا تاکنون، دیدگاه کل‌گرا به پدیده‌هاست. این دیدگاه با عنوان «هولیسیم» که نخستین بار در اوایل قرن بیستم توسط «کرسنتین اسموت» به شکل نوین مطرح شد (هرچند چنین دیدگاهی ریشه و قدمتی بسیار زیاد در دوران کهن دارد) معتقد است پدیده‌های جهان هرچند اجزائی از هستی هستند اما در کنار هم و در ارتباط با یکدیگر، یک حیثیت و هویت واحد را می‌سازند که «کل» نامیده می‌شود. درک کل، ادراک اجزاء و ارتباط بین این اجزاست. «نگرش «اتمیسیتی» [رویکرد جزء‌نگر]، شناخت جزئیات را اصل قرار می‌دهد و نگرش «سیستمی» [کل‌نگر] شناخت هر پدیده را منوط به ادراک کلیت آن می‌داند» (Mansouri et al., ۲۰۲۰). اجزاء جدا از یکدیگر خصوصیتی دارند اما در یک هم‌افزایی آنها با هم در قالب یک سیستم با اهداف واحد است که ویژگی‌های منحصر به فرد جدیدی از خود بروز می‌دهند. آن‌گونه که فرشاد (۱۳۶۲) آن را «ظهور» می‌نامد (ظهور صفات جدیدی در کل که در تک‌تک اجزاء یافت نمی‌شود). همان‌طور در قبل بیان شد، هستی یکی است و مراتبی دارد. دیدگاه کل‌نگر نیز هرچند اجزاء را به رسمیت می‌شناسد اما اصالت را به کل حاصل از این اجزاء و ارتباط میان آنها می‌دهد. بنابراین از این حیث، هر دو به دنبال درک کل از پدیده‌اند. در واقع اساس تفکر سیستمی برپایه سنتز و ترکیب و گام نخستین آن مفهوم «کلیت» است (Mansouri et al., ۲۰۲۰). بنابراین دیدگاه سیستمی به پدیده‌ها با مفاهیم کل و هستی قرابت داشته و نمی‌توان آن را بدون این مفاهیم پذیرفت. روانشناسان گشتالت، به‌عنوان یکی از پیشگامان این عرصه نقش زبانی در تحلیل این ارتباط داشته‌اند. هرچند می‌توان ساختار مکان را به بخش‌ها و اجزاء کوچکتر تقسیم و سپس بررسی نمود اما تفسیر حاصل از ادراک آن به این شیوه، هرگز معنا و مفهومی که ساکنان آن مکان آن را آن‌گونه درک می‌کنند را ارائه نخواهد داد (Partovi, ۲۰۱۰, as cited in Shafia, ۲۰۱۸). حال سؤال این است که انسان چگونه کل را ادراک می‌کند؟

• ادراک انسان از پدیده‌ها

بشر هنگامی که با محیط ناشناخته‌ای مواجه می‌شود، تلاش می‌کند به شناخت آن بپردازد. اندوخته نیاکان ما که در ناخودآگاه ما جای گرفته (Jung, ۲۰۲۰)، به ما کمک می‌کند برای در امان ماندن از خطرات احتمالی، نسبت به محیط ناشناخته واکنش نشان دهیم. این روند شناختی به‌طور کلی با آزمون و خطا محیط شروع می‌شود. اما آن چه مغز ما را در راستای عملکرد بهتر یاری می‌رساند، انطباق داده‌های جدید

محله، ماهیت می‌بخشد، جو و اتمسفر عمومی آن مکان (یا به تعبیر این پژوهش، حس کلی ناشی از ادراک هستی) است که نمی‌توان آن را با روش‌های تجزیه‌گر به عناصر و اجزاء به دست آورد.

• **خاص‌بودگی مراکز محله، عامل تقویت بنیه گردشگری**
 به دلیل اقلیم مشترک حاکم بر بخش اعظم ایران یعنی اقلیم گرم و خشک که آن را اقلیم برتر ایران می‌نامند (Motedayen & Motedayen, ۲۰۲۰) نیزها اغلب مشابه است. حضور خاک در دسترس در این مناطق باعث شده مصالح بوم‌آورد آجر و کاه‌گل در این منطقه به وفور یافت شود. این مصالح خود منجر شده سیستم ساخت (چه از لحاظ تکنولوژی ساخت و اجرا و چه از نظر سازمان فضایی) نیز در این بخش از ایران شباهت بسیاری به هم داشته باشد. همین امر باعث شده فرهنگ غالب بر سبک زندگی و به تبع آن معماری و شهرسازی به سمت تشابه حداکثری فضاها برود. مراکز محله در اغلب محلات اقلیم گرم و خشک فارغ از شهر آنها به مقداری زیادی مشابه یکدیگر هستند. این تشابه می‌تواند عالم یکنواختی شهر شود که دافع گردشگر است به نحوی که بازدید از یک شهر و محلات سنتی آن، برای گردشگر معادل بازدید تمام شهرهای این اقلیم خواهد بود. اما چه می‌شود که شخصیت مراکز محله متفاوت است؟ در حقیقت الگوی حاکم بر مراکز محله اقلیم‌های مشابه تقریباً یکی است اما چنان چه با دقت بیشتری اگر تحلیل کنیم، در سطوح رویی جزئیات این فضا (شامل کاربری‌ها، نماسازی و تزئینات) با یکدیگر متفاوت است و در لایه‌های عمیق‌تر به قدری مراکز محله تفاوت‌های بنیادینی دارند که می‌توان آنها را در معدود صفتی مشابه و قابل دسته‌بندی یافت و در حقیقت هر کدام شخصیت‌های متفاوتی از یکدیگر دارند همان‌طور که انسان‌ها در کالبد نسبتاً دارای عناصر مشابه‌اند اما شخصیت‌های اساساً متفاوتی دارند. این تفاوت منجر شده هر یک از مراکز محله ایرانی، حرف تازه‌ای برای مخاطب (که اینجا گردشگر) است داشته باشد و باعث جذب وی به آن شهر شود. از این ویژگی باید در راستای تقویت صنعت گردشگر داخلی و خارجی و همچنین توسعه شهر با هدف شناسایی و تقویت عناصر هویت‌بخش شهر استفاده کرد. در این میان نباید عناصر شاخص منظر شهری منحصر به فرد هر مرکز محله شهرهای گوناگون نیز مغفول واقع شود. به‌طور مثال در مراکز محله یزد می‌توان شاهد آب انبارها و یا مدخل چاه‌های دسترسی قنات‌ها، در قم امروزی پایه‌های توزیع هوشمند آب آشامیدنی و در درفول ورودی دسترسی به قمش‌ها زیرزمینی بود که خود باعث منحصر به فرد بودن و به تبع آن جذابیت جذب گردشگر به این شهرها است (See Sartipi Isfahani, ۲۰۲۳).

خشک ایران را مشاهده کرده و در ادامه با بررسی کتابخانه‌ای و اسناد و اخبار، شخصیت کنونی این مراکز محله در دیگر روزهای سال (و همچنین شخصیت این مراکز در زمان سنت) بیان شده است.

• **عوامل شکل‌دهنده حس مکان در مرکز محلات**
 منسوری هسته را هستی‌بخش معرفی می‌کند و از این حیث معتقد است همانند طبیعت، مصنوعات انسانی از جمله شهر و محله نیز، یک عنصر پدیدآورنده و نگهدارنده حیات آن باید وجود داشته باشد که همان مرکز محله یا شهر به‌مثابه هسته آن است. وی معتقد است «درک مفهوم یک‌ه و یگانه محله به‌مثابه یک کل، وابسته به وجود ویژگی‌هایی است که مهم‌ترین آنها مرکز محله است» (Mansouri, ۲۰۲۲, ۳). از نظر او وجه مادی و فیزیکی محله، متکثر و به همین دلیل فاقد وحدت است اما آن چه منجر می‌شود میان این کثرت خانه‌ها، راه‌ها و خدمات پراکنده وحدت استنباط شود، وحدتی است که نه در بیرون بلکه محصول خوانش و ادراک ناظر از آن است و تولد محله را در گروی آن می‌داند که ناظر این وحدت را از آن کثرت اجزاء ادراک نماید. ایشان مرکز محله را به‌عنوان مهم‌ترین عاملی می‌داند که به ظهور مفهوم کل در محله کمک می‌کند. لذا معتقد است محله بر دو رکن استوار است: اجزاء مادی متکثر و حالت یگانه برداشت شده از سازمان فضایی و ارتباط میان اجزاء مذکور در ذهن مخاطب (ibid., ۳).
 مرکز محله به‌عنوان یک فضای باز شهری، به‌طور کلی دارای دو دسته ویژگی است: ویژگی‌های مربوط به کالبد و ویژگی‌های مربوط به فعالیت‌های جاری در آن که شاید بتوان اولی را سخت‌افزار فضا و دومی را نرم‌افزار آن دانست. ترکیب این ویژگی‌ها، عناصر و ارتباط میان این‌هاست که حس مکان را برای ادراک‌کننده می‌سازد. عوامل کالبدی شامل کاربری‌ها، دسترسی‌ها، مصالح، نماها، پروفیل (نسبت ارتفاع جداره به عرض آن)، سازمان‌دهی اجزاء، عناصر شاخص قابل رویت، و عوامل نرم‌افزاری شامل رویدادهایی خواهد بود که به‌واسطه کاربری‌های اطراف جداره مرکز محله و یا رویدادهایی که در عرصه باز آن اتفاق می‌افتد خواهد بود. از طرف دیگر عواملی با مقیاس کلان‌تر (محله) مانند نوع زیست، صنف غالب ساکنین، اقلیت و مذهب، ملیت و ... در سطح محله می‌تواند بر شخصیت (تم) مرکز محله تأثیر بگذارد. بنابراین عوامل مذکور در دو مقیاس خرد (مرکز محله، عرصه و جداره آن) و کلان (محله) بر شخصیت مرکز محله تأثیر می‌گذارد. در ادامه با مقایسه سه مرکز محله در یزد و سپس مقایسه یکی از آنها با مرکز محله دیگر در شهری با اقلیم و شهرسازی مشابه به تمایز شخصیت در کیفیت حس مکان پرداخته شده است. پرتویی (۱۳۸۹) معتقد است آنچه به یک فضای عمومی مانند میدان یا مرکز

نمونه‌های مطالعاتی

می‌کنیم اما در حقیقت آنچه به صورت میدانی درک کرده‌ایم و ملاک حس کلی در ما به عنوان مخاطبین فضا شده است، در واقع وضعیت کنونی آن است بنابراین آنچه هم اکنون به عنوان حس فضا بیان می‌کنیم، در حقیقت مرکز محله‌ای است که الان ممکن است متفاوت‌تر از زمان بهره‌برداری آن در زمان سنت بوده باشد. به طور مثال میدان وقت و ساعت که اکنون بیشترین مخاطبین خود را در زمان مراسم مذهبی تجربه می‌کند و سهم کاربری‌های اطراف جداره میدان در جذب مخاطب بسیار اندک است، در زمان گذشته محل تأمین مایحتاج افراد محله بوده است بنابراین مداوم مورد استفاده مخاطب قرار داشته. روندی که هم‌اکنون متفاوت است و اگر بخواهیم پویایی مرکز محله و تراکم حضور مخاطب در محل را ملاک ارزش‌گذاری فضای شهری قرار دهیم، شاید میدان وقت و ساعت، مقبولیت کمی داشته باشد چرا که مخاطبین روزمره آن بسیار محدود است در حالی که در گذشته این چنین نبوده است. یا مثال دیگر میدان جلفای اصفهان هم اکنون به فضای شهری در مقیاس شهر بدل شده است که مخاطبینی از کل شهر دارد در صورتی که پیش از این در دوره سنت، مرکز محله جلفا بوده بنابراین ملاک درک حس کلی مخاطب که از آن یاد می‌کنیم، بیشتر معطوف به تجربه

فضاهای شهری با توجه به اجزاء و ارتباط میان آنها و متناسب با رویدادهایی که درون آنها اتفاق می‌افتد، دارای شخصیت‌های (تم‌ها) گوناگون هستند. به طور مثال مرکز محله‌ای دارای تم آیینی-مذهبی است که بستر رویدادهای مذهبی خواهد بود، دیگری بار تجاری بیشتری به دوش می‌کشد و شخصیتی بازارگونه به خود می‌گیرد و میزبان صنف خاصی می‌شود و یا مرکز محله دیگری در مقیاس محلی تر تنها محل جانمایی ارکان اصلی محله است و شخصیتی محلی خواهد داشت. بنابراین در مرحله اول سه مرکز محله در یزد (میدان وقت و ساعت، محوطه اطراف بقعه دوازده امام و زندان اسکندر، و مرکز محله فهادان) از نظر تم بررسی و معرفی شده‌اند. انتخاب این مراکز محله از یزد، بنا بر بازدید میدانی سفر پژوهشی از آنها و تجربه هستی‌شناسانه نگارندگان بوده است. این سه مرکز محله دارای شخصیت‌های منحصر به فردی هستند. با اینکه در ظاهر همه مراکز محله در تمام نظام شهرسازی سنتی ایران مشابه هستند اما در کنار ویژگی‌های عمومی که بر همه مراکز محله حاکم است، هر یک دارای شخصیت و تم‌های منحصر به فرد هستند. این منحصر به فرد بودن از کاربری‌های جداره مرکز، محل قرارگیری مرکز محله در دل سیستم محله، حتی ساکنان آن محله (از نظر قومیت، مذهب، صنف و شغل، طبقه اجتماعی و اقتصادی) و نوع رویدادهایی که در آن مرکز محله رخ می‌دهد، ناشی می‌شود.



۱. مسکونی ۲. مسکونی ۳. گالری ۴. خانه نوریست یزد ۵. مسکونی ۶. تجاری ۷. مسکونی ۸. تجاری ۹. رستوران ۱۰. زورخانه سید کاظم خرنزاد ۱۱. مسکونی ۱۲. رستوران

تصویر ۱. مرکز محله با تم خانوادگی-محلی. مرکز محله فهادان یزد. مأخذ: نگارندگان.

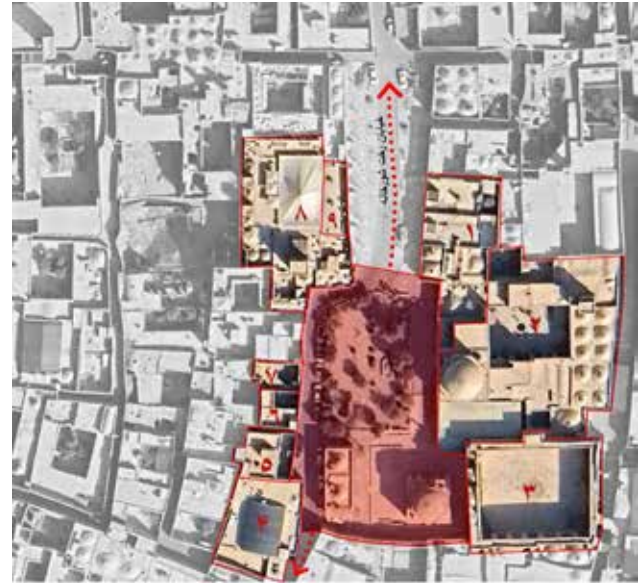
در مرحله دوم در نهایت با انتخاب و بسط یکی از مراکز محله مذکور (میدان وقت و ساعت یزد)، با مرکز محله دیگر در شهر اصفهان مقایسه شده است. این دو مرکز محله (وقت و ساعت یزد و میدان جلفا اصفهان) هر دو از نظر کالبدی به خصوص آنچه در وهله اول دیده می‌شود، شبیه یکدیگراند. هر دو مراکز با مقیاس محله، نماهای تقریباً مشابه فضاهای جمعی سنتی ایرانی، اقلیم مشترک گرم و خشک با معماری و مصالح مشابه، قرارگیری کاربری‌های گوناگون در جداره آنها، نزدیکی بنای مذهبی در کنار مرکز محله که از داخل مرکز محله قابل رویت هستند (بقعه سید رکن‌الدین در یزد و کلیسای بیت اللحم در اصفهان) و ویژگی‌های دیگری که این دو مرکز محله را در ظاهر شبیه به هم می‌کند، دلیل انتخاب این دو برای مقایسه بود. بنابراین در مرحله اول مقایسه سه نمونه مطالعاتی مقایسه شده‌اند که بیان کند در یک شهر واحد با تمام ویژگی‌های یکسان محیطی، سه شخصیت متفاوت از خود بروز می‌دهند. در مرحله دوم مقایسه دو مرکز محله با شخصیت واحد (شخصیت آیینی-مذهبی) اما در دو شهر متفاوت است.

البته این نکته هم شایان ذکر است که شهر مدام تغییر می‌کند. هر چند ما پیشینه تاریخی این مراکز را بررسی

فهادان و محوطه اطراف بقعه دوازده امام و مقایسه آنها با میدان وقت و ساعت یزد، صرفاً بیان مثال‌هایی برای تنوع شخصیت فضاهای شهری بود اما مقایسه اصلی مقاله بر پایه قیاس دو نمونه میدان وقت و ساعت یزد و جلفای اصفهان بنا شده است که در بخش مقایسه مراکز محله (مورد «ب») مطالعه موضعی به تفصیل بیان شده است) (تصاویر ۱ و ۲).

• مقایسه مراکز محله (بررسی نمونه‌های مطالعاتی اصلی) - میدان وقت و ساعت یزد

این میدان که به دلیل حضور تاسیسات نجومی و رصدخانه به همت سید رکن‌الدین محمد قاضی در قرن ۸ هجری قمری (که دیگر اثری از آن نیست) به این نام خوانده می‌شود، در اطراف خود آثاری از دوره‌های ایلخانی، تیموری، صفوی، قاجار و پهلوی دارد که پس از این دوران فضایی به آن اضافه نشده است. اگر چه شاکله فعلی این میدان از دوره صفوی شکل گرفته و تا اواخر پهلوی ادامه داشته اما به دلیل تقدم و تأخر در ساخت بناهای جداره (هم پیش و هم پس از صفویه) برخلاف پلان تقریباً منظم آن، جداره‌هایی ارگانیک و تدریجی دارد. قدیمی‌ترین بنای موجود این میدان آب انبار مرکز میدان است که به دوره شاه سلطان حسین صفوی است (Shahabinejad, ۲۰۲۲a; ۲۰۲۲b). از ویژگی مهم این میدان می‌توان به تنوع کاربری اطراف میدان (هم جداره بلافصل و هم پیرامون میدان) اشاره کرد: مسکونی، تاسیسات شهری مانند آب انبار و پایاب، کارگاه‌های شعربافی، حسینیه میدان و بقعه سید رکن‌الدین از دوران صفوی و قاجار، کاربری‌های دفتری و اداری مانند دفتر و کالت (خانه خردمند)، مطب و داروخانه و درمانگاه و همچنین مدرسه تعلیمات اسلامی افشار به دوره پهلوی است (Shahabinejad, ۲۰۲۲b). در دهه ۴۰



۱. هتل موزه فهادان ۲. زندان اسکندر ۳. حسینیه بزرگ فهادان ۴. هتل درویش یزد ۵. آموزشگاه خانه هنر زرگرخانه ۶. گالری صنایع دستی ۷. گالری صنایع دستی ۸. کافه رستوران بام ۹. محوطه کافه رستوران بام
تصویر ۲. فضای شهری با تم تاریخی- گردشگری. محوطه بقعه دوازده امام و زندان اسکندر. مأخذ: نگارندگان.

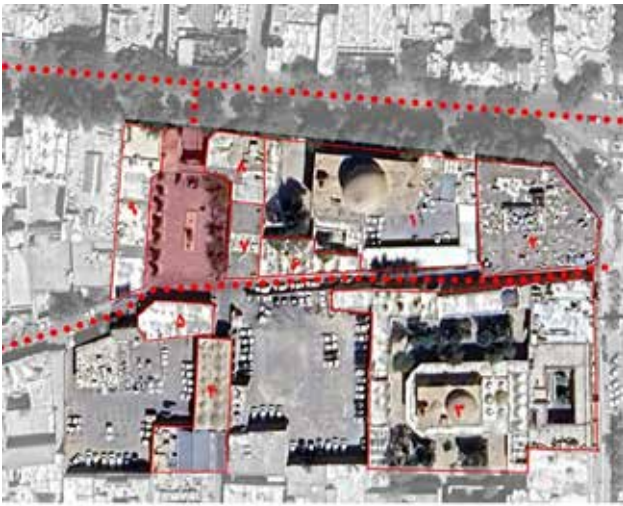
فضا در زمان حال و با کاراکتری است که هم‌اکنون ادراک می‌شود. با این مقدمه، به بررسی فرضیه پرداخته شده و برای توضیح بهتر آن مراکز محله در دو سطح (مقایسه مراکز محله در یزد (سه مرکز محله) و سپس مقایسه دو مرکز محله در دو شهر گوناگون) بررسی و مقایسه شده است.

• تم (شخصیت) منحصر به فرد هر مرکز محله

در سفر پژوهشی با سه فضای شهری بازدید شد، میدان وقت و ساعت، مرکز محله فهادان و فضای شهری مجاور بقعه دوازده امام. فضاهای شهری با توجه به کاربری‌های جداره فضای مرکزی خود، اجزاء و عناصر داخل آنها، رویدادهایی که در آنها رخ می‌دهد، معابر و کاربری‌های مجاور، دارای تم منحصر به فردی می‌شوند. این شخصیت یا از بدو تولد آن فضا با این هدف ایجاد می‌شود و یا به تدریج این شخصیت را به خود می‌گیرد. با توجه به نکته‌ای که بیان شد، مرکز محله فهادان با توجه به کاربری‌هایی چون زمین بازی کودکان، فضای خالی مجاور مرکز محله و میزان سبزی‌نگی، در حال حاضر شخصیتی خانوادگی و دوستدار کودک داشت. این در صورتی است که در مثال دیگر حضور بقعه دوازده امام، زندان اسکندر و دیگر فضاهای تاریخی در اطراف فضای شهری مرکزی این مجموعه، این فضای شهری را به یک فضای شهری با تم تاریخی-میراثی تبدیل کرده بود که مخاطبان آن گردشگران نیز بودند. در آخر میدان وقت و ساعت است. این میدان با عقبه تاریخی-آیینی خود، شخصیتی مذهبی-آیینی دارد که از میان سه نمونه بیان شده، در ادامه بیشتر به آن پرداخته شده است. در ادامه به مقایسه دو مرکز محله در یزد و اصفهان پرداخته شده است. (دلیل بیان مرکز محله



۱. حسینیه وقت و ساعت ۲. هتل ۳. مسکونی ۴. خانه قهرمان ۵. هتل ۶. هتل ۷. تجاری ۸. ورودی آب انبار ۹. تجاری ۱۰. کارگاه شعربافی ۱۱. مدرسه ۱۲. مسکونی
تصویر ۳. مرکز محله‌ای با تم آیینی-تاریخی. میدان وقت و ساعت یزد. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. مرکز محله‌ای با تم آیینی-تاریخی. میدان جلفای اصفهان. مأخذ: نگارندگان.

مطالعاتی مورد توجه قرار داد، «اقلیت مذهبی و ملی» بودن این محله از شهر اصفهان است. محله جلفا قدمتی به حدود مهاجرت جمعیت ارمنی‌ها در زمان صفویه به پایتخت ایران در اصفهان دارد. مرکز این محله میدانی هندسی است که با عملکردهای گوناگون احاطه شده است. مسیرهای مواصلاتی به مرکز محله، تنوع کاربری‌ها، نزدیکی میدان (مرکز محله جلفا) به بناهای مذهبی مسیحیت و از طرف دیگر رونق اقتصادی و سیاسی این محله (به‌خصوص در زمان تشکیل این محله) از عوامل سرزندگی این محله است. این محله برخلاف اغلب محلات سنتی شهرهای ایران، همچنان رونق دارد. هرچند میزان و نوع رونق آن با گذشته متفاوت است اما توانسته به خوبی خود را با نیازهای زندگی معاصر همساز کند. جلفا به دلیل مرادوات تجار مسیحی ساکن آن با اروپای مسیحی و همچنین حمایت دولت وقت از ایشان، به یکی از مراکز «اولین‌ها در اصفهان» بدل شده بود و این روند تاکنون نیز (هرچند بسیار محدودتر از پیش) ادامه دارد.

میدان جلفا به‌عنوان یک مرکز محله، بستر فعالیت‌ها و رویدادهای اجتماعی، مذهبی و اقتصادی ساکنین اقلیت این محله بوده است. این رویدادها همچنان با حمایت و پیگیری ساکنین مسیحی خود ادامه دارد و چه کالبد و کاربری‌ها و چه رویدادهای آن، محله جلفا را به مقصد گردشگری تبدیل کرده است. از طرف دیگر جانمایی کاربری‌های تجاری-اقتصادی در این محله که از کیفیت نسبتاً بالایی برخوردارند، عامل تجدید این حیات شده است و جلفا را به قرارگاهی اجتماعی برای دیگر ساکنان غیرمسیحی شهر نیز تبدیل کرده است. به‌طور کلی عوامل رونق محله جلفا و به تبع آن مهمترین مرکز تجمع روزمره آن یعنی میدان جلفا از گذشته تا حال، میتوان به همبستگی درونی مسیحیان ارمنی

هجری با همت استاد پیرنیا و با پیگیری اهالی ساکن در محله، گنبد بقعه سیدرکن‌الدین مرمت و استحکام‌بخشی شده و در دهه ۵۰ ضمن نصب داربست بر روی حسینیه جداره میدان (حسینیة وقت و ساعت)، سطح باز میدان نیز آسفالت شد (Shahabinejad, ۲۰۲۲a; ۲۰۲۲b).

طبق اکتشافات باستان‌شناسی سال ۱۳۸۵ در کف میدان زیرنظر ابراهیم کاظم‌نژند، در کنار کشف کاشی‌های ایلخانی، آل مظفر و تیموری که حکایت از قدمت این میدان می‌دهد، اجساد متعددی نیز یافت شد که گویای عملکرد قبرستانی این فضای باز احتمالاً پیش از قاجار بوده است (Shahabinejad, ۲۰۲۲b). بافت اجتماعی پیرامون میدان در گذشته شامل ساکنینی از خانواده‌های اصیل و مشاهیر یزد بوده است که رفته رفته یا به دیگر نقاط شهر یزد و یا به شهرهای دیگر مهاجرت کرده‌اند (Shahabinejad, ۲۰۲۲a). این سرمایه اجتماعی باعث شده این میدان پا برجا باقی بماند و اقدامی از جمله مرمت و استحکام‌بخشی آن با پیگیری اهالی صورت پذیرد. از طرف دیگر این مهاجرت و موزه‌ای شدن بافت (که در ادامه بحث بیشتر به آن پرداخته شده است) گویا آن است که میدان رونق سابق خود به‌عنوان یک قرارگاه اجتماعی فعال را از دست داده و اوج شلوغی خود را تنها در مراسم‌های مذهبی تجربه می‌کند.

زهره احمدی این میدان را یک کلیت واحد و منسجم می‌داند که ادراک را به‌مثابه یک میدان انسان‌محور تلقی کرده و ادراک یکپارچه واحد را اساس پیاده‌مداری و در نتیجه انسان‌محوری معرفی می‌کند. اقداماتی که در راستای پیاده‌محوری و انسان‌مداری بر می‌شمرد شامل مسیرهای سرپوشیده (ساباط‌ها) جهت آسایش اقلیمی عابرین پیاده، جانمایی قابل دسترس کاربری‌ها پیرامون میدان در نزدیکی منزل و یا محل کار ساکنین محله، اختلاط کاربری‌ها (که خود جاذب افراد از همه قشر سن، جنسیت، نیاز و سلیقه است)، شبکه به هم پیوسته معابر پیاده (که از ویژگی‌های شهرهای سنتی به‌واسطه نوع زیست پیاده‌مدار آنها و کم‌رنگ بودن حضور اتومبیل در زندگی ایشان بوده است) می‌باشند (احمدی، ۱۴۰۰). وی همچنین بیان می‌دارد: «این میدان تاریخی محل اجتماع فضاهای عمومی محله و مصداقی از ترکیب و تلفیق موفق چند عملکرد در یک فضا بوده است و نحوی که انسان در یک فضای واحد توانایی انتخاب چند فعالیت را دارد» (همان). حال که با میدان وقت و ساعت یزد به‌عنوان نمونه اصلی پژوهش مختصری آشنا شدیم، به معرفی یک نمونه دیگر می‌پردازیم و در انتها به‌طور کلی به بیان برخی علل توفیق یا عدم موفقیت این مراکز شهری می‌پردازیم. (Shahabinejad, ۲۰۲۲a; ۲۰۲۲b) (تصویر ۳).

میدان جلفا اصفهان

آنچه این میدان را در این پژوهش به‌عنوان یک مورد

محله بررسی شده، دو مرکزی که حیات اجتماعی و زیست محلی را حفظ کرده‌اند و همچنان رونق داشته (مرکز محله فهادان یزد و میدان جلفا اصفهان)، و مراکزی که به نفع گردشگران به موزه تبدیل شدند و جمعیت ساکن و زیست روزمره خود را تا حد زیادی از دست داده‌اند، رونق چندانی نداشتند (فضای شهری مجاور بقعه دوازده امام یزد و میدان وقت و ساعت یزد). بنابراین مراکز محله بنا به عوامل گوناگون فیزیکی و ذهنی دارای شخصیت‌های گوناگون خواهند بود که نحوه بهره‌برداری و بهره‌برداران آن را تعیین خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

انسان با مواجهه با پدیده‌های اطراف خود تلاش می‌کند آن را درک کند. این ادراک به دو حال صورت می‌گیرد: اول حس کلی است که به صورت یکپارچه، واحد و در قالب یک پکیج در ذهن وی شکل می‌گیرد که درک هستی آن پدیده رقم می‌خورد و دوم شناختی است که پس از بررسی اجزاء حاصل می‌شود و به ادراک چپستی آن ختم خواهد شد. ادراک اول کلی و فارغ از اجزا است در حالی که همین اجزاء و ارتباط میان آنهاست که این ادراک کلی را می‌سازد اما ذهن در آن مرحله به‌طور ناخودآگاه به آن توجه مستقیم ندارد. ادراک دوم اما بر شناخت دقیق اجزاء استوار است. آنچه جهان را می‌سازد به نوعی اجزاء و ارتباط میان آنها (کل) هستند که در نهایت یک موجودیت واحد به نام «هستی» را شکل می‌دهد. حس کلی ادراک ما به‌عنوان ناظر و کاربر فضا، حاصل از ارتباط ما با هستی و وجود آن پدیده (یا فضا) است. هرچه کیفیت اجزاء و ارتباط آنها بیشتر باشد، حس کلی حاصل از آنها مستحکم‌تر و مطلوب‌تر خواهد بود و در سطح هستی، درجه بالاتری در کمال را داراست. مرکز محله‌ها به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین ارکان شهرسازی ایرانی، قرارگاه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی محله و قلب تپنده آن است. مفهوم محله و هم‌محله‌ای در برخورد افراد در این مکان شکل می‌گیرد و به حیات آن کمک می‌کند. بنابراین با توجه به ویژگی‌های مراکز محله، هر محله و مرکز آن دارای شخصیت و هویتی منحصر به فرد است که تم آن منطقه از شهر را می‌سازد. بنابراین بسته به شخصیت مراکز محله، هر مرکز نقش به‌خصوص و مرتبه‌ای خاص در مراتب هستی‌شناسی ادراکی مخاطب از فضا را شکل می‌دهند. این در صورتی است که از نظر ظاهری، مادی و به‌خصوص کالبدی، میزان تشابه میان آنها بسیار زیاد است اما «آنچه از تجربه آنها توسط مخاطب ادراک می‌شود (مُدْرک) با یکدیگر متفاوت است». بنابراین چیزی در آنها با هم فرق دارد که در ماده آن نیست. آنچه عامل تفاوت در عین شباهت مراکز محله

جهت حفظ محله خویش، حمایت حکومت صفویه از تجار این محله از نظر اقتصادی، آزادی عمل در مناسبات دینی- مذهبی و همچنین تجارت و عدم اختلاط جمعیت مسیحیان در ابتدا با ساکنین شهر (محله جلفا در جنوب زاینده رود و در جایی که شهر نبود احداث شد)، ثروت ساکنان محله در زمان حال و خواست جمعی شهروندان اصفهان، اشاره کرد (Sartipi Isfahani & Saghafian, ۲۰۲۱).

بنابراین تم و شخصیت میدان جلفا نیز ترکیبی از مذهب، اقتصاد و زیست است (هرچند این محله مانند بسیاری از محلات دیگر ساکنین حقیقی خود را از دست داده و جمعیت مسیحی آن به خارج از بافت مهاجرت کردند اما همچنان نوعی خاصی از زیست با حضور چند کانون جمعیتی ویژه مانند کلیساها، خانه‌های قدیمی مسیحیان، مغازه‌های مسیحی و فضاهایی از همین جنس همچنان کاراکتر محله را ویژه ساخته است) (ibid., ۲۰۲۱) (تصویر ۴).

جمع‌بندی یافته‌ها

در این پژوهش با توجه به بازدید میدانی حاصل از سفر پژوهشی و سپس مطالعات کتابخانه‌ای، بر پایه تجربه فضا و مواجهه با آن، می‌توان تم‌های گوناگون در مراکز محله در زمان حال را شاهد بود. هرچند این مراکز در زمان گذشته خود دارای شخصیت‌های دیگری بودند که حال دستخوش تغییرات بسیار شده اما آنچه هم‌اکنون دیده می‌شود آن است که مرکز محله فهادان دارای تمی محلی، مناسب حضور خانواده، کودکان و نوجوانان بود. این مرکز محله شامل فضای سبز سایه‌گستر و فضای بازی است. مورد بعدی فضای شهری مجاور زندان اسکندر و بقعه دوازده امام است که به‌واسطه مراکز تاریخی و میراثی اطراف آن، تمی تاریخی و گردشگری به خود گرفته است. بنابراین، مخاطبین آن نیز متفاوت خواهند بود. و در آخر میدان وقت و ساعت، که به‌واسطه حسینیه (در جداره میدان) و مقبره سید رکن‌الدین مجاورش حال و هوایی مذهبی-آیینی به خود گرفته است که در مراسم مذهبی میزبان رویدادها و ناظران زیادی است. سپس از میان سه نمونه مذکور، میدان وقت‌الساعت یزد با تم مذهبی-آیینی، با یک مرکز محله دیگر در شهر دیگر (اصفهان) که آن نیز تم مذهبی-آیینی دارد مقایسه شد. نتیجه حاصل از این قیاس آن شد که موارد زیاد کالبدی و غیر کالبدی می‌تواند باعث شود مرکز محله (و هر فضای شهری دیگر) فارغ از مکان و اقلیم، با بستر فرهنگی، جغرافیایی، اجتماعی خود سازگار شده و نه تنها در بدو تولد خویش بلکه تا امروز، متناسب با زندگی حال به حیات خود ادامه دهد، خواه به همان شکل با کاربری‌های سابق خود و یا شکلی امروزی شده متناسب با نیازهای روز. در نهایت این نکته حائز اهمیت است که از میان چهار مرکز

شبهات و ساخت یک هویت منحصر به فرد از هر مرکز محله در اذهان شده است.

عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

باهم است، هستی آنهاست. هستی که حاصل و منتج از اجزاء، ارتباط اجزاء، ادراک ناظر از فهم این‌ها و... است. در این‌جا هستی مساوی فهم ناظر از پدیده نیست، بلکه ظرفیتی است که از طریق تجربه فضا به صورت یکپارچه، واحد و کلی ادراک می‌شود. هستی، موضوع ادراک کلی است که در این‌جا منجر به احساس کلی تفاوت در عین

فهرست منابع

Gardens. Nazar Art and Architecture Research Institute.

- Noghshan Mohammadi, M., & Beyzaie, M. (2024). A Comparative Analysis of the Indigenous Patterns of Neighborhood Center in City of Yazd and the Qualitative Components of a Desired Neighborhood Center. *Journal of Urban Ecology Researches*, 15(3), 109-126. <https://doi.org/10.30473/grup.2024.48904.2431>
- Pakzad, J. (2007). *A guide to designing urban spaces in Iran*. Armanshahr.
- Sartipi Isfahani, M. R. (2023). Neighborhood as a Possibility to Attract Tourists (Social Solidarity in Traditional Neighborhood is a Factor in the Neighborhood's Vitality). *Tourism of Culture*, 3(11), 54-57. <https://doi.org/10.22034/toc.2023.379591.1105>
- Sartipi Isfahani, M., & Saghafian, N. (2022). Julfa, A Remnant of the Neighborhood Concept. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 14(60), 52-61. <https://doi.org/10.22034/manzar.2022.310354.2159>
- Shafia, S. (2018). Informal Neighborhood Center Landscape (Case Study: Shemiran-e-Now Informal Neighborhood). *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 10(45), 44-55. <https://doi.org/10.22034/manzar.2018.80490>
- Shahabinejad, A. (2022a). A Review of the Historical Background of Yazdâs Vaqt-o-Saâat Square: Safavid Era and Earlier. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 10(19), 47-64. https://jias.kashanu.ac.ir/article_111864.html?lang=en
- Shahabinejad, A. (2022b). Reidentification of the Historical Evolution in Yazd Vaqt-o-sâ'at Square From the beginning to the end of the Pahlavi era. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 18(104), 69-80. <https://doi.org/10.22034/bagh.2021.274378.4811>
- Soltanzadeh, H., & Rohbakhshan, A. (2006). *Urban spaces in the historical context of Iran*. Office of Cultural Researches Publications.

- احمدی، زهرا. (۱۴۰۰). بازخوانی میدان در شهرهای انسان‌محور؛ نمونه موردی میدان وقت و ساعت یزد. سومین کنفرانس ملی شهرسازی و معماری دانش‌بنیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران. <https://civilica.com/doc/1376367/>
- پرتوی، پروین. (۱۳۸۹). هنر تطبیقی و نسبت آن با مطالعات تطبیقی هنر دانش‌های تطبیقی: مجموعه مقالات فلسفه، اسطوره‌شناسی، هنر و ادبیات (به کوشش بهمن نامور مطلق و منیژه کنگرانی). انتشارات سخن.
- ضرابیان، فرناز و منعم، محمدرضا. (۱۳۸۷). بررسی و میزان عوامل تأثیر گذار بر حس مکان. *شهرداری‌ها*، ۹(۸۹)، ۲۳-۲۸. <https://ensani.ir/file/down-load/article/20120426122813-3090-202.pdf>
- فرشاد، مهدی. (۱۳۶۲). نگرش سیستمی. نشر دانشگاه شیراز.
- Jung, C. G. (2020). *Man and his symbols* (M. Soltaneh, Trans.). Jami Mosaddeq. (Original work published 1964)
- Mansouri, S. A. (2022). Centrality; Vitalizing Element of a Neighborhood. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape*, 14(58), 3-3. <https://doi.org/10.22034/manzar.2022.146650>
- Mansouri, S. A., Mokles, F., Hemmati, M., Abarghuifard, H., & Mohammadzaeh, Sh. (2020). *The Spatial System of Iranian City In the Islamic Preiod*. Nazar Art and Architecture Research Institute.
- Merriam-Webster. (n.d.). Existence. In *Merriam-webster*. Retrieved Aug. 18, 2025, from EXISTENCE Definition & Meaning - Merriam-Webster.
- Mitrovic, B. (2020). *Philosophy for architects* (E. Hanif, Trans.). Fekreno Publications. (Original work published 2011)
- Mojedzadeh, S. A., Mirzaei, R., Madahi, S. M., Mabhot, M., & Heydari A. (2023). Different perceptions of age groups of semantic and visual cues affecting environmental identity Case study: Fahadan neighborhood of Yazd. *Haft Hesar Journal of Environmental Studies*, 11(42): 107-126. <https://doi.org/20.1001.1.23225602.1401.11.42.9.3>
- Motedayen, H., Motedayen, P. (2020). *Iranian Pavilion*

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
سرتیپی اصفهانی، محمدرضا؛ یوسفی مقدم، زهرا؛ قصبه، مائده و باقری، حمیدرضا. (۱۴۰۴). مراکز محله؛ ظاهری مشابه برای گردشگران، شخصیت‌های گوناگون در ادراک شهروندان (نمونه مطالعاتی: میدان وقت و ساعت یزد و میدان جلفای اصفهان). گردشگری فرهنگ، ۶(۲۲)، ۲۰-۲۹.

DOI: [10.22034/toc.2025.498708.1184](https://doi.org/10.22034/toc.2025.498708.1184)

URL: https://www.toc-sj.com/article_232234.html

